



## مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران

سیده میترا هاشمی

چاپ اول 1393

انتشارات روزبه

کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران هرچند سه سالی از انتشار آن می‌گذرد (1393)، به قول مهرداد قیومی بید هندی نخستین کتاب در زمینه تاریخ شفاهی معماری ایران و بلکه از معدود کتاب‌ها در زمینه تاریخ شفاهی معماری در جهان است که به همت محقق با نشاط جوانی و ذهنی پخته و منضبط و دقیق و قلمی روان نوشته شده است. این نوشتار با پژوهشی دانشگاهی توسط سیده میترا هاشمی آغاز و در قالب کتاب در انتشارات روزبه به سرانجام می‌رسد.

درباره تاریخ شفاهی مهرداد قیومی بید هندی در تقریظ بر کتاب می‌نویسد:

«بسیاری از کسانی که به تاریخ شفاهی پرداخته‌اند گمان کرده‌اند که تاریخ شفاهی همان گردآوری و ثبت و ضبط خاطرات است و اگر خاطرات را به‌جای ثبت نوشتاری، به ثبت صوتی درآورند، به تاریخ شفاهی پرداخته‌اند. عده‌ای هم گمان برده‌اند که کار تاریخ شفاهی پرداختن به فرهنگ شفاهی است؛ یعنی به آنچه در قالب افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و گویش‌ها و مانند اینهاست. تاریخ شفاهی هیچ‌یک از اینها نیست.

«شفاه» جمع «شفه» به معنای «لبان» است. تاریخ‌نامه‌ها از دیرباز بر اقوال شفاهی مبتنی بوده است و مورخان اخبار رویدادها را یا در نوشته‌های گذشتگان می‌یافتند، یا می‌دیدند، یا از لب و دهان کسانی می‌شنیدند. اگر تاریخ شفاهی را به جهت شفاهی بودن منبعش بدین نام بخوانند، بسیاری از تاریخ‌ها، از

گذشته تا به حال، تاریخ شفاهی است. آنچه تاریخ شفاهی اصطلاحی را از دیگر تاریخ‌ها ممتاز می‌کند چیزی بیش از شفاهی بودن منبع است.

منبع - یعنی آنچه حاوی و حامل شواهد تاریخی است - از مهم‌ترین ارکان همهٔ اقسام تاریخ است؛ تا جایی که وجه ممیز برخی از انواع یا رویکردهای تاریخ با انواع یا رویکردهای دیگر در نوع منابعی است که اختیار می‌کنند یا طرز است که با منابع رفتار می‌کنند. تاریخ شفاهی از این جهت از دیگر تاریخ‌ها ممتاز می‌شود که معطوف به منبع شفاهی است، اما نه فقط از حیث شفاهی بودن؛ بلکه از حیث اعتبار و حفظ. بیشتر شاهدان رویدادها مشهود خود را به قید نوشته در نمی‌آورند؛ پس همواره و در بیشتر روزگاری که بر انسان گذشته است، روایت کثیری از شاهدان به ما نرسیده است. باید کاری کنیم که آنچه شاهدان رویدادها در روزگار ما دیده‌اند - یعنی روایت آن دستهٔ بزرگ از شاهدان رویدادها که شهادتشان را نمی‌نویسند یا حتی نقل نمی‌کنند - ثبت شود و به آیندگان برسد. آنچه تاریخ شفاهی را «تاریخ شفاهی» می‌کند اهتمام به فراهم آوردن منبع برای مورخان حال و آینده است؛ منبعی فراتر و گسترده‌تر از آنچه در تاریخ‌های رسمی، و ناگزیر متأثر از صاحبان زور و زر، درج می‌شود. توجه تاریخ شفاهی معطوف به تدارک منبع‌غالباً<sup>۱</sup> مغفول و خارج از دایرهٔ تاریخ‌های رسمی برای مورخان است. همهٔ کسانی که سخنانی دربارهٔ رویدادهای تاریخی می‌گویند منبع تاریخ شفاهی نیستند؛ بلکه فقط آن دسته از گزارشگران منبع تاریخ شفاهی شمرده می‌شوند که خود<sup>۲</sup> مستقیم و بی‌واسطه رویدادی را دیده باشند» (ص 13 و 14).

وی همچنین دربارهٔ ویژگی‌های تاریخ شفاهی می‌نویسد:

«از ویژگی‌های تاریخ شفاهی اذعان به تأثیر و مداخلهٔ مورخ و مخبر در روایت است. مخبر، که شاهد رویداد تاریخی است، منبع تاریخ شفاهی است؛ اما مورخ شفاهی است که او را به سخن گفتن وامی‌دارد و گفتگو را به سخن گفتن وامی‌دارد و گفتگو را به سویی می‌کشاند که می‌خواهد؛ از چیزی می‌پرسد و از چیز دیگر نه؛ بر برخی از مواضع سخن پا می‌فشارد و از مخبر توضیح می‌خواهد و برخی دیگر را شایستهٔ تأمل و تأکید نمی‌شمارد. خلاصه اینکه تاریخ شفاهی در بین مخبر و مورخ شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد. تأکید بر اهمیت یکی از همین دو قطب است که اقسامی از تاریخ شفاهی را پدید می‌آورد.

هنگامی که لفظ گنگ و بس معنای «معماری» به ترکیب «تاریخ شفاهی» افزوده شود، آن را پیچیده‌تر می‌کند. پیداست که تاریخ شفاهی معماری بستگی تام به تلقی ما از «معماری» دارد. نویسندهٔ محترم در متن کتاب به کفایت به این موضوع پرداخته‌اند؛ در اینجا به همین اشاره بسنده می‌کنیم که همهٔ دامنهٔ گستردهٔ معماری مستعد تاریخ شفاهی است. معماری فاعلانی دارد؛ از بانی و حامی و واقف گرفته، تا مهندس و معمار و بنا و کارگر و اقسام مهندسان و هنرمندان دخیل در معماری. این فاعلان معماری یا فقط عامل رویداد معماری‌اند و کسانی کارشان را شاهد بوده‌اند؛ یا خود هم عامل رویداد معماری‌اند و هم شاهد آن. همچنین‌اند کسانی که رویدادها و زندگی جاری در بناها را شاهد بوده‌اند؛ یا رویدادهایی مربوط به مراحل گوناگون سفارش دادن و طراحی و ساختن بناها و زیستن در آنها؛ یا متروک و ویران شدن بناها و تخریب آنها را دیده‌اند. هرچه این منابع زنده کهن‌سال‌تر باشند، اهمیت

آنها برای تاریخ معماری بیشتر می‌شود: نخست به این دلیل که بسیاری از ایشان شاهد رویدادهایی از بقایای سنت معماری نامدرن ایران بوده‌اند که دیگر از دسترس ما دور است؛ و دیگر اینکه ایشان بیش از دیگر منابع در خطر نابودی‌اند» (ص 14 و 15).

این کتاب در دو بخش تنظیم شده؛ بخش اول، تاریخ شفاهی در نظر در سه فصل به تعریف، فواید و ضرورت و پیشینه تاریخ شفاهی می‌پردازد. بخش دوم بنام تاریخ شفاهی معماری ایران در عمل، در سه فصل به گردآوری اطلاعات، پردازش و بایگانی و تدوین و تبیین تاریخ شفاهی می‌پردازد.

در فصل اول ضمن برشمردن تاریخ به معنی گزارش از وقایع گذشته و پژوهش در آن و تاریخ به معنی خود وقایع گذشته، تاریخ شفاهی را از جنس تاریخ به معنی گزارش از وقایع گذشته و پژوهش در آن است. این پژوهش تاریخی دارای سه سؤال هدفمند است: پرسش درباره چیست؟ (موضوع پژوهش)، پرسش از چیست؟ (مرجع پژوهش) و پرسش برای چیست؟ (مقصد پژوهش).

در موضوع پژوهش به این نکته اشاره می‌شود که وقایعی می‌تواند موضوع تاریخ شفاهی باشد که شاهدان آن هنوز زنده‌اند. همچنین در این فصل نویسنده به نکته مهم محل اختلاف در مقصد پژوهش می‌پردازد:

«مقصد پژوهش تاریخی محل اختلاف است. در تعاریف امروزی، مقصود تاریخ «خودشناسی» است. مراد از «خودشناسی»، شناخت ماهیت خویشتن است در مقام انسان؛ نه شناخت خصوصیات شخصی.<sup>1</sup> از سوی دیگر، مورخان گذشته به‌ویژه مورخان مسلمان مقصد و فایده تاریخ را کسب «عبرت» می‌دانستند.<sup>2</sup> آنچه مورخان مسلمان از «عبرت» مراد می‌کردند، با رویکردهای عمل‌گرایانه<sup>3</sup> کنونی متفاوت است. به‌هرروی، در حالت کلی می‌توان گفت که مقصود پژوهش تاریخی از جنس معرفت و شناخت است که گاه از آن به «خودشناسی» و گاه به «عبرت» تعبیر می‌کنند. بنابراین پژوهش تاریخی در پی نتایج عملی<sup>4</sup> و عینی نیست» (ص 29 و 30).

در مرجع پژوهش نیز اشاره می‌شود:

«تاریخ شفاهی فقط به دنبال اقوال حاضران در یک واقعه یا شاهدان آن واقعه است و افسانه‌ها و امثال و دیگر روایات درباره روزگار دور، که به‌صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، جزو شواهد تاریخ شفاهی نیست. این روایت‌ها در زمره «سنت شفاهی» است» (ص 34).

نویسنده در این فصل برای روشن شدن موضوع تاریخ شفاهی معماری ایران به تعریف تاریخ معماری ایران نیز می‌پردازد و می‌نویسد:

«طی واقعه معماری ویرانه‌ای آباد یا بنایی ساخته شده است؛ پس محصول واقعه معماری آبادی یا ساختمانی است که به آن «اثر معماری» می‌گوییم. واقعه ساختن و آباد کردن با اثر آن واقعه، که ساختمان یا آبادی است، پیوندی ماهوی دارد. چنان‌که می‌توان این دو را ظاهر و باطن یک‌چیز دانست. اثر معماری آنگاه می‌تواند موضوع تاریخ معماری باشد که آن را مظهر واقعه معماری بدانیم؛ یعنی

پرسش از معماری، اگر از واقعه معماری آن خبر گیرد، پرسش تاریخ معماری است. برخی هر تأملی در آثار معماری گذشته را «تاریخ معماری» می‌نامند اما چنین رویکردی درست نیست؛ چون این آثار می‌تواند موضوع مطالعه بسیاری حوزه‌های دیگر نیز باشد مثلاً<sup>۴</sup> یکی از این حوزه‌ها نقد آثار هنری یا نقد معماری است. نقد هنر معمولاً آثار گذشته را بر پایه امتیازات زیبایی شناسانه مطالعه می‌کند؛ خواه موضوع این مطالعه آثار گذشته باشد یا آثار معاصر.<sup>۵</sup> شاخه‌هایی چون تاریخ معماری، نقد معماری، و تئوری معماری متمایز از یکدیگرند؛ اگرچه گاه به هم گرایش پیدا می‌کنند.<sup>۶</sup>

به‌هرروی، موضوع تاریخ معماری واقعه معماری است؛ یعنی واقعه ساخته و آبادان شدن جای‌ها در گذشته. «تاریخ معماری ایران» نیز فصلی مکانی بر این وقایع می‌نهد و آن را محدود به بخشی از وقایع معماری گذشته می‌کند که در محدوده ایران فرهنگی واقع شده است. در تاریخ معماری، می‌توان از وجوه مختلف واقعه معماری پرسیم مثلاً<sup>۷</sup> می‌توان از عاملان واقعه پرسید: از خیال معمار، علوم و فنونی که نزد اوست و شیوه تعلم، نفس و خلق‌وخوی، تعلقات اجتماعی و صنفی، ابزارها و فنون کار، و هر آنچه روشنگر وجهی از واقعه معماری است. در واقعه معماری، کسانی چون بنا، طیان، ناوه کش، گچ کار، کاشی ساز و کاشی تراش، مقرنس بند، نقاش و مانند اینها نیز با معمار همکاری کرده‌اند.<sup>۷</sup> آنها نیز در شمار عاملان واقعه معماری‌اند، ولو اینکه نقشی جزئی در آن داشته‌اند. می‌توان از عمل و نقش ایشان در واقعه معماری پرسید. حامیان یا کارفرمایان نیز همواره نقشی بنیادین در کار معماری داشته‌اند.<sup>۸</sup> می‌توان از کیستی و تأثیر ایشان در واقعه معماری سؤال کرد. می‌توان از سیاقی<sup>۹</sup> پرسید که واقعه معماری در آن روی داده است؛ از جای و گاه وقوع واقعه و اینکه چرا واقعه در آن جای و در آن‌گاه رویداده است. همچنین می‌توان از محصول واقعه معماری، یعنی اثر معماری، پرسید. می‌توان از چند و چون اثر پرسش کرد و اینکه چرا و چگونه آن اثر چندان و چنان شد. در تاریخ معماری، همچنین می‌توان از غایت واقعه معماری پرسید. مقصود از ساختن هر جای، سکونت مردم در آن است. بنابراین، شناخت وضعیت سکونت مردمان در هر جا، روشنگر وجهی از واقعه ساخته و آبادان شدن آن جای است.

### مرجع پژوهش تاریخ معماری

وقایع معماری نیز همچون دیگر وقایع تاریخی در گذشته به انجام رسیده است و ما امروز فقط در قالب آثار و شواهد باقی، با آن رو در رویم. پس مرجع پژوهش تاریخ معماری نیز همچون هر پژوهش تاریخی، شواهدی است که از وقایع گذشته باقیمانده است. شواهد باقی از وقایع معماری گذشته از سه گونه است:

نخست، شواهد مادی که بنیادی‌ترین آن اثر معماری، یعنی آبادی یا بنا است. افزون بر این، ابزارها و اشیا و مانند آن نیز در شمار شواهد مادی است. اثر معماری محصول واقعه معماری و به همین مناسبت، مهم‌ترین و نخستین مرجع برای شناخت آن است.<sup>۱۰</sup> اما بسیاری از آثار معماری از حیث کالبدی تغییر بسیار کرده‌اند. عملکرد و کیفیت و شیوه زندگی در آنها نیز، با آنچه در اصل بوده، متفاوت است. مورخان گذشته در تاریخ معماری، به اثر معماری بسنده می‌کردند اما مورخان امروز بر آن‌اند که به سبب تغییرات روی داده در این آثار و نیز به سبب اینکه این آثار به‌تنهایی گویای همه وجوه واقعه

عمارت نیست، نمی‌توان در شناخت وقایع گذشته معماری به آن بسنده کرد و باید در جستجوی دیگر شواهد باقی بود.<sup>11</sup>

دوم، شواهد کتبی که بخشی دیگر از آثار و شواهد باقی از وقایع معماری است. شواهد کتبی در کل از سه گونه متون و اسناد، تصاویر، و کتیبه‌هاست. هرچند هیچ متن مکتوبی که مستقیماً درباره معماری ایران باشد موجود نیست، در بسیاری از متون باقی، می‌توان اطلاعاتی درباره معماری گذشته جست.<sup>12</sup> سوم، شواهد شفاهی که شامل اقوال شفاهی مردم درباره وقایع معماری گذشته است. مورخان معماری کمتر به این بخش از شواهد باقی از وقایع معماری گذشته توجه داشته‌اند مثلاً<sup>13</sup> نویسندگان مقالات «بازاندیشی تاریخ‌نویسی معماری»<sup>13</sup> با آنکه در پی گسترش حدود تاریخ معماری از حیث موضوعات، نظرگاه‌ها، و منابع‌اند، منابع تاریخ معماری را آثار مادی و کتبی می‌دانند و به شواهد شفاهی اعتنایی ندارند. همچنین نویسنده کتاب تاریخ معماری چیست<sup>14</sup> که از جامع‌ترین و جدیدترین پژوهش‌ها درباره تاریخ معماری است، اگرچه متوجه اهمیت منابع شفاهی است، شناخت درستی از آن ندارد. چنان‌که در فهرستی که از منابع تاریخ معماری برمی‌شمارد، در کنار قراردادهای، مکاتبات، نقشه‌ها، صورت‌حساب‌ها، و مانند آن از «تاریخ شفاهی» نیز نام می‌برد؛<sup>15</sup> غافل از اینکه تاریخ شفاهی از جنس پژوهش و خود مبتنی بر «شواهد شفاهی» است.<sup>16</sup>

### مقصد پژوهش تاریخ معماری

پژوهش تاریخ معماری که با پرسش درباره رویداد ساختن یا آباد کردن آغاز می‌شود، می‌تواند به جاهای گوناگونی بیانجامد. این جاهای گوناگون می‌توانند چنان از هم دوری گزینند که دیگر زیر یک شاخه به نام تاریخ معماری گرد هم نیایند.

برای شناخت مقصد پژوهش تاریخ معماری، شناخت کیستی پژوهشگر با تاریخ مرتبط است و از سوی دیگر با معماری. پس مورخ معماری نیز از وجهی مورخ است و از وجهی آشنا با معماری. این هر دو باید با هم باشد؛ نه مورخ بودن به تنهایی کافی است و نه معمار بودن.

پژوهشگر تاریخ معماری آشنا با معماری است. مراد از آشنایی با معماری، آشنایی با علم و عمل معماری است؛ نه فقط آثار معماری که هر کس با آن سر و کار دارد. برای مورخ معماری، آشنایی با معماری لازم است اما کافی نیست. چه بسا معمارانی که در شناخت معماری گذشته به خطا رفته‌اند؛ چرا که فقط به توانایی‌های معمارانه خویش بسنده کرده‌اند و آنچه را که از امروز است به تمامی بر گذشته حمل کرده‌اند. به همین روی، تنها کمکی به شناخت وقایع گذشته نکرده‌اند، بلکه مشکلات را دو چندان کرده‌اند.<sup>17</sup>

از سوی دیگر، آنکه از تاریخ معماری می‌پرسد مورخ است؛ اما مورخ بودن نیز به تنهایی کافی نیست؛ چه همه مورخان کم و بیش متوجه آثار و حتی «فنون معماری» هستند.<sup>18</sup> این آثار بالأعم حکم شواهدی از گذشته را دارد و بالأخص حکم مکان وقوع وقایع را. پس مورخان به آثار معماری توجه دارند و گاه آثار معماری بر جای مانده از گذشته در زمره شواهد اصلی نزد مورخ است.<sup>19</sup> مثلاً پژوهشگر شاخه تاریخ نظامی<sup>20</sup> متوجه آثار باقی از قلاع نظامی است؛ یا پژوهشگر شاخه تاریخ ادیان<sup>21</sup> متوجه آثار باقی از معابد ادیان مختلف است، یا مورخ تاریخ فرهنگی<sup>22</sup> متوجه آثار معماری است چرا که آنها را از مظاهر فرهنگ می‌داند. مورخ تاریخ سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی نیز از وجهی متوجه آثار معماری گذشته

هستند و هر یک در پی مقصود خویش‌اند.<sup>23</sup> به همین ترتیب، دیگر دانشمندان شاخه‌های علوم انسانی و حتی علوم طبیعی نیز می‌توانند به آثار معماری گذشته رجوع کنند.

بنابراین، مورخ معماری هم مورخ است و هم با معماری مأنوس است. بسته به اینکه کدام‌یک از این دو وجه غالب باشد، مقصود مورخ معماری از پژوهش تاریخ معماری قدری متفاوت است. مورخ معماری از این وجه که آشنا با معماری است، از دیگر مورخانی که به معماری گذشته نظر دارند، متمایز است.

بر پایه آنچه درباره‌ی معنی معماری گفتیم، می‌توان گفت که مقصود کلی مورخ معماری از پرسش درباره‌ی واقعه معماری و رجوع به آثار آن، شناخت علم و عمل معماری است. رسیدن به این مقصود کلی، مستلزم گذشتن از مقاصد جزئی دیگر است. در هر پژوهش تاریخ معماری، می‌توان در پی رسیدن به یکی از این مقاصد بوهئلاً<sup>24</sup> در پرسش از ساختن یک بنا، در حالت کلی می‌توان در پی شناخت علم و عمل معماری بود و در حالت جزئی، در پی شناخت مقاصد جزئی دیگری چون زمان و مکان واقعه، آثار باقی از آن، یا زندگی و احوال معمار. فقط از طریق گرد آمدن این مقاصد جزئی در کنار یکدیگر، می‌توان به مقصد کلی دست‌یافت. در این راه، نه خود مقصد به تنهایی، بلکه نسبت درست هر جزء با اجزای دیگر و با کل اهمیت دارد.

شناخت علم و عمل معماری به معنی گرده برداری و تقلیدهای شکلی نیست. چنین گرایش‌هایی در میانه‌ی سده بیستم، بسیار رایج بود. در این دوران، تاریخ معماری در خدمت طراحی معماری و جزئی از آن بود. مهم‌ترین فایده‌ی تاریخ معماری این بود که گنجینه‌ای غنی از صور و اشکال مربوط به آثار معماری قدیم و جدید را گرد آورد و در اختیار معماران بگذارد تا در راحی از آن یاری بگیرند. این توجهات گاه به رویکردهای سطحی و عمل‌گرایانه منجر می‌شد و گاه تأثیرات پیچیده‌تری در فرایند طراحی داشت.<sup>24</sup> مقصود از شناخت علم و عمل معماری در این نوشتار، کسب معرفت است؛ بی‌آنکه هیچ فایده‌ی مستقیم عملی بر آن مرتبط باشد. البته برخی مورخان معماری انحصار مقصود تاریخ معماری به شناخت معماری را نمی‌پذیرند و بر آن‌اند که تاریخ معماری راه فهم بخشی از آثار و افعال انسانی را هموار می‌کند تا دوشادوش تاریخ، به شناختی بنیادین‌تر از انسان دست یابد» (ص 39 - 43).

و بالاخره در تعریف تاریخ شفاهی معماری ایران می‌نویسد:

«موضوع پژوهش تاریخ شفاهی معماری ایران بخشی از وقایع معماری گذشته است که در محدوده ایران فرهنگی روی داده و شاهدان و عاملان آن هنوز زنده‌اند. مرجع پژوهش تاریخ شفاهی معماری ایران اقوال شفاهی عاملان و شاهدان وقایع معماری گذشته است. از جمله عاملان وقایع معماری، حامیان و کارفرمایان واقعه و نیز معمار و همکاران او در کار معماری هستند. شاهدان وقایع نیز همه کسانی‌اند که در حین وقوع آن حاضر بوده‌اند و از آن اطلاعاتی دارند. در تاریخ شفاهی معماری می‌توان به ایشان رجوع کرد و در اقوال ایشان، از واقعه معماری خبر گرفت. مقصد پژوهش تاریخ شفاهی معماری ایران شناخت علم و عمل معماری است. بنابراین تاریخ شفاهی معماری ایران پژوهشی است درباره‌ی بخشی از وقایع گذشته معماری ایران، بر پایه‌ی اقوال شفاهی شاهدان و عاملان آن، و مقصود آن شناخت معماری است» (ص 44).

در فصل دوم به فواید و ضرورت تاریخ شفاهی پرداخته می‌شود و از دو پایه تاریخ یعنی شاهد و تفسیر و نقش مورخ که بر اساس توجه بیشتر به یکی از این دو پایه سبب اختلاف در اصحاب تاریخ شفاهی می‌شود. در مورد برداشت‌های نادرست از تاریخ شفاهی می‌خوانیم:

«در یکی از تعاریف رایج اما نادرست، «تاریخ شفاهی» را گونه‌ای شاهد یا سند برای تدوین تاریخ و در زمره دیگر اسناد تاریخی مانند اسناد مکتوب و اشیاء و ابنیه و مانند آن می‌دانند. این برداشت تاریخ شفاهی را تا سطح یکی از ملزومات آن، یعنی شاهد شفاهی، فرو می‌کاهد؛ چنین تلقی از «تاریخ شفاهی» مانند آن است که «نسخه» را «نسخه‌شناسی» و «سکه» را «سکه‌شناسی» گوئیم.

این دست تعاریف گاه، ناشی از کاربرد اشتباه لفظ «تاریخ شفاهی»، به جای «قول شفاهی»<sup>25</sup>، «سند شفاهی»<sup>26</sup> یا «منبع شفاهی»<sup>27</sup> است. اما گاه برآمده از دیدگاهی خاص درباره ماهیت تاریخ شفاهی است که «تاریخ شفاهی» را «ماده خام»<sup>28</sup> دیگر پژوهش‌های تاریخی می‌داند و بر آن است که کار تاریخ شفاهی به تولید شواهد شفاهی می‌انجامد؛ نه تدوین تاریخ.<sup>29</sup> به همین روی، از این دیدگاه «تاریخ شفاهی» بر «شواهد شفاهی» دلالت دارد. در برابر این دیدگاه، بسیاری از صاحب‌نظران محصول کار تاریخ شفاهی را نه ماده خام تاریخی، بلکه خود تاریخ می‌دانند و بر نقش فعال مورخ شفاهی<sup>30</sup> در پیدایش شاهد شفاهی و همچنین گزینش و تفسیر راوی تأکید می‌کنند.

در برخی دیگر از تعاریف رایج، تاریخ شفاهی را گونه‌ای «روش»<sup>31</sup> یا «فن»<sup>32</sup> برای گردآوری اطلاعات تاریخی می‌دانند. چنین تعاریفی از یکی از ملزومات تاریخ شفاهی، یعنی پرسش، غافل است. گفتیم که تاریخ شفاهی گونه‌ای پژوهش تاریخی است و از مهم‌ترین ملزومات آن پرسش است. یکی از وجوه تمایز اصلی پژوهش تاریخی از گردآوری داده‌های تاریخی، همین پرسش است؛ چه همین پرسش کار تاریخ شفاهی را از آغاز تا پایان با گزینش و تفسیر همراه می‌کند و از این حیث با گردآوری صرف اسناد شفاهی متفاوت می‌سازد» (49 و 50).

در مورد فواید تاریخ شفاهی معماری ایران به یافتن شواهد جدید از وقایع معماری گذشته ایران و یا حتی تفسیرهای جدید از وقایع معماری گذشته اشاره می‌شود:

«یکی از بزرگ‌ترین کاستی‌های تاریخ معماری توجه به آثار و شیوه‌های معماری اقلیت حاکم بر جامعه و غفلت از اکثریت مردم جامعه است. از یک‌سوی، اسناد و متونی که مستقیماً<sup>33</sup> به معماری اختصاص داشته باشد نادر است و از دیگر سو، بسیاری از آنها فقط از اوضاع و احوال وقایع و آثار معماری طبقات حاکم می‌گویند و کمتر از شیوه‌های معماری و ابنیه مردم عادی جامعه در آن نشانی هست. افزون بر این، شواهد کتبی باقی از وقایع معماری گذشته معمولاً منحصر به جوامع شهری، به‌خصوص شهرهای بزرگ، است و کمتر می‌توان اثری از جوامع روستایی یا شهرها و آبادی‌های کوچک در آن یافت. بخشی از وقایع معماری نیز همچون بسیاری از دیگر وقایع گذشته، به‌عمد در تاریخ مکتوم مانده است؛ از این جمله است وقایع مربوط به اقلیت‌های دینی یا برخی اقلیت‌های قومی. بالتبع درباره وقایع معماری ایشان نیز کمتر ذکری در تواریخ رسمی هست. پس آنچه در تاریخ معماری یا متون مرتبط آمده است، وقایع معماری بخشی کوچک از جامعه است و تاریخ معماری همواره از بخش عمده‌ای از وقایع معماری

غافل بوده است. تاریخ شفاهی معماری می‌تواند راه پرداختن به این بخش از وقایع مغفول معماری گذشته را هموار کند؛ از جمله اوضاع و احوال وقایع و آثار معماری مردم عادی جامعه، طبقات فرودست و اقلیت جامعه، و شهرها و روستاهای کوچک» (ص 60 و 61).

«در تاریخ شفاهی، گزینش و تفسیر و استنتاج فقط از آن مورخ نیست، بلکه سازندگان گذشته نیز مجال آن را می‌یابند که راوی داستان خویش باشند. برکات این رویکرد به تاریخ شفاهی در تاریخ معماری دو چیز است:

نخست، دست یافتن به اندیشه‌ای که در پس وقایع معماری گذشته بوده است. تاریخ شفاهی معماری مجال فراموشی می‌کند تا او که واقعه ساختن، تجدید عمارت جایی، یا ویرانی بنایی و ساختن بنای جدید بر جای آن را روایت می‌کند، ناگزیر از علل آن نیز بگوید. مورخ شفاهی معماری می‌کوشد که هرچه بیشتر به این اندیشه نهران در پس افعال دست یابد و به همین سبب، از تحلیل‌های راوی استقبال می‌کند.

دوم اینکه، تاریخ شفاهی معماری مجال است که مورخ از مقام عالمانه خویش پایین بیاید، در کنار همان‌ها که در گذشته زیسته‌اند بایستند، و از دیدگاه ایشان، به وقایع معماری گذشته نگاه کند. این رویکرد مانع از تحسین یا تحقیر عجولانه گذشته می‌شود. اسباب چنین احکام عجولانه‌ای، که تاریخ معماری نیز بسیار به آن دچار است، حمل اوضاع کنونی به گذشته است؛ چه ما از پیش چنین چیزهایی در ذهن داریم و با همان و در جستجوی همان، به گذشته می‌نگریم.

از سوی دیگر، این رویکرد چشم ما را بر آنچه تاکنون از آن غافل بوده‌ایم، می‌گشاید؛ چه بسیاری از ما در جستجوی وقایع معماری گذشته، فقط به آنچه در عالم بیرون روی داده است بسنده می‌کنیم. حال آنکه نمی‌توان معماری را فقط منحصر به عالم عین و بیرون دانست. معماری به تعبیری، هرگونه تصرف ذهنی در مکان است.<sup>33</sup> پس بخشی از وقایع معماری عینی نیست، و به تبع آن از دیده مورخ بیگانه، پنهان می‌ماند. این دست وقایع را فقط در عالم ذهن مردم می‌توان جست. به همین روی، اگر گزینش و تفسیر وقایع گذشته از آن همان‌ها باشد که آن را ساخته‌اند، دست یافتن به شناختی ژرف‌تر از وقایع گذشته معماری ایران ممکن خواهد شد» (ص 61 و 62).

و بالاخره در فصل دوم در باب ضرورت تاریخ شفاهی معماری ایران آمده است:

«تاریخ شفاهی معماری با قیدی زمانی همراه است و در آن فقط وقایع معاصر معماری موضوعیت دارد. تاریخ شفاهی معماری راهی است برای شناخت وقایع معاصر معماری، اعم از معماری سنتی و مدرن. هرچند که وقایع قدیم معماری را نیز نمی‌توان پیشاپیش بی‌ارتباط با تاریخ شفاهی دانست؛ تاریخ شفاهی معماری راهی است برای بازبانی و حفظ نشانه‌های باقی از وقایع قدیم معماری. پرداختن به تاریخ شفاهی معماری ضروری است و نمی‌توان آن را به آینده موکول کرد. زیرا منابع شفاهی عمری به درازای عمر یک انسان دارند و اگر امروز به آن نپردازیم، این فرصت برای همیشه از دست خواهد رفت و دیگر نمی‌توان از بخش عمده‌ای از این وقایع سراغ گرفت» (ص 68).



در فصل سوم نویسنده به پیشینه تاریخ شفاهی می‌پردازد و تاریخ شفاهی را گونه‌ای پژوهش که دارای مبانی، منابع و روش‌های خاص خودش است می‌نامد که از دوران معاصر آغاز شده است. توجه به تاریخ همه اقشار جامعه نه فقط فرمانروایان، شیوه‌های جدید تاریخ‌نگاری (ولتر) توجه جریان رمانتیسیسم اروپا به سنت شفاهی، راه‌یابی سنت شفاهی به فرهنگ عامه، مطالعات میدانی سده نوزدهم در مطالعات اقتصادی و جامعه‌شناسی، ظهور رشته‌های نوپایی چون انسان‌شناسی و در ادبیات نیز توجه بسیاری از نویسندگان همچون دیکنز و اورول سبب اهمیت یافتن شواهد شفاهی شده اما تاریخ شفاهی در میانه سده بیستم با اختراع دستگاه ضبط صدا پدید آمد و مشهور است پرفسور آلن نو نیز استاد دانشگاه کلمبیا را آغازگر تاریخ شفاهی می‌دانند.

در کتاب می‌خوانیم:

«تاریخ شفاهی در دوران معاصر پدید آمد، اما با استفاده از منابع شفاهی در تاریخ نویسی پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد؛ اگرچه اقبال مورخان به این منابع در برخی دوره‌ها بیشتر و در برخی کمتر بود. تاریخ شفاهی در بدو پیدایش، بیشتر در حوزه تاریخ سیاسی و نظامی مطرح بود و به وقایع زندگی چهره‌های سرشناس اختصاص داشت. توجه به دیگر شاخه‌های تاریخی، همچون تاریخ هنر و معماری، و نیز وقایع زندگی مردم عادی در این عرصه، پدیده‌ای نو است. توجه به ذهنیت سازندگان وقایع گذشته و یافتن تفسیر ایشان در تاریخ شفاهی نیز مربوط به سال‌های اخیر است. تاریخ شفاهی در تاریخ معماری و تاریخ معماری ایران پیشینه‌ای پر بار و منسجم ندارد. بیشتر پژوهش‌های موجود با عنوان «تاریخ شفاهی معماری» درباره زندگی و آثار معماران دوران معاصر و بر پایه گفته‌های ایشان است. معدود پژوهش‌هایی نیز در حوزه تاریخ محلی و بر پایه گفته‌های مردم عادی و درباره آثار قدیم معماری پدید آمده است» (ص 58).

در بخش دوم کتاب در فصل 4 به گردآوری اطلاعات و روش معمول آن در این مرحله از تاریخ شفاهی یعنی مصاحبه، چگونگی هدایت مصاحبه، آداب مصاحبه، چگونگی بیان پرسش‌ها، ملزومات مصاحبه، زمان و مکان مصاحبه پرداخته می‌شود. در جمع‌بندی موضوع آمده است:

«آنچه را که درباره آداب و ملزومات مصاحبه برشمردیم، ثمره تجربه صاحب‌نظران تاریخ شفاهی در گذر سالیان است. اما در به کار بستن این اصول در تاریخ شفاهی معماری ایران، باید همواره متوجه باشیم که مصاحبه رابطه‌ای است انسانی. پس دشوار می‌توان آن را در بند قواعد از پیش معین درآورد؛ تفاوت‌ها را نادیده گرفت؛ و تجربه یک رابطه را به دیگر روابط تعمیم داد. مورخی در هنگام مصاحبه موفق است که هنر مصاحبت را بداند؛ نه اینکه فقط مهارت‌هایی کسب کرده باشد و آن را در هر کجا به کار گیرد» (ص 126).

در فصل پنجم پردازش و بایگانی به شیوه‌های گوناگون پردازش در تاریخ شفاهی و انواع بایگانی تاریخ شفاهی یعنی تحریر زبان، مسائل و آداب تحریر، چکیده‌نویسی، نمایه‌سازی و فهرست‌نویسی، بایگانی رقومی (بایگانی دیجیتال) بایگانی غیر رقومی (نوارهای صوتی یا نسخه‌های کاغذی) و مسائل و شیوه بایگانی شواهد شفاهی پرداخته می‌شود.

در فصل ششم به تدوین و تبیین پژوهش تاریخی پرداخته می‌شود. اعتبار شواهد شفاهی (مخبر، مورخ، سند)، تدوین تاریخ شفاهی، روایت مورخ، روایت مشترک مورخ و مخبر، شیوه ارجاع به شواهد شفاهی، رسانه‌های انتشار تاریخ شفاهی (کتبی، صوتی، ترکیبی)، استفاده از شواهد و روش تاریخ شفاهی در دیگر پژوهش‌ها و مسائل حقوقی در این فصل بررسی می‌شود.

این کتاب نه فقط به کار اندیشمندان و پژوهندگان تاریخ معماری ایران می‌آید، بلکه برای پژوهشگران تاریخ در دیگر حوزه‌ها و رشته‌ها نیز منبعی عمیق است.

## پانوشته‌ها:

- 1 برای آگاهی بیشتر نک: رابین جرج کالینگوود، همان، ص 18.
- 2 برای آگاهی بیشتر نک: مهدی حجت، میراث فرهنگی در ایران سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، ص 34 - 39.
- 3 Pragmatic
- 4 Practical
- 5 Dana Arnold, *Art History: A very Short Introduction*, pp. 2, 29.
- 6 مثلاً برخی از گونه‌های نقد از جمله نقد تکوینی، که متوجه سیر تحول و تکوین اثر هنری است، آثار را از وجه تاریخی مطالعه می‌کنند. اگرچه وجوه اشتراک و افتراق این‌گونه از نقد هنری و تاریخ هنر درخور تأمل است، توجهات کلی دو حوزه نق آثار معماری و تاریخ معماری متفاوت است و نباید این دو را به‌صرف توجه به آثار معماری گذشته، یکی پنداشت. برای آشنایی با نقد تکوینی در هنر، نک: بهمن نامور مطلق، «نقد تکوینی در هنر»، ص 95-110.
- 7 مهرداد قیومی بیدهندی، گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر، ص 96.
- 8 درباره اهمیت نقش کارفرمایان در کار معماری در طول تاریخ نک:  
Andrew Ballantyne, "Architecture as Evidence", pp. 38-40
- 9 Context
- 10 Dana Arnold, *ibid*, p. xiii.
- 11 Andrew Leach, *ibid*, pp. 76,77. See also: Ballantyne, *ibid*, pp. 36.
- 12 درباره اقسام شواهد مکتوب تاریخ معماری نک: مهرداد قیومی بیدهندی، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها»، ص 8 و 9.
- 13 *Rethinking Architectural Historiography*, by Arnold and others (eds).
- 14 *What is Architectural History?*, by Leach
- 15 Andrew Leach, *ibid*, p81.
- 16 در فصل دوم، درباره این قبیل خطاهای رایج درباره ماهیت تاریخ شفاهی، بیشتر خواهیم گفت.
- 17 Nikola Cold stream, *ibid*, pp.219-224 برای آگاهی بیشتر نک:
- 18 مورخان «فنون معماری» را در زمره «دانش‌های کمک‌کار تاریخ»، همچون سکه‌شناسی، زبان‌شناسی و خط‌شناسی می‌شمارند. نک: صادق آیینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص 367 و 368.
- 19 آغاز توجه جدی به این شواهد را در حوزه پژوهش‌های تاریخی، از سده نوزدهم می‌دانند؛ اگرچه نشانه چنین توجهاتی در میان مورخان روزگار دور نیز هست. (نسرین گلیجانی مقدم، تاریخ‌شناسی معماری ایران، ص 62).
- 20 Military history
- 21 history of religious
- 22 Cultural history
- 23 Andrew Leach, *ibid*, pp. 9-11
- 24 Christian F. Otto, *ibid*, pp. 51-54
- 25 Oral testimony
- 26 Oral evidence
- 27 Oral resource
- 28 raw material
- 29 Ronald j . Grele, *ibid*. برای آگاهی بیشتر نک:
- 30 oral historian
- 31 method
- 32 technic
- 33 این تعبیر از استاد گرامی، دکتر مهرداد قیومی بیدهندی، است.